

بررسی مجموعه شعر پارس در تو
سروده علی عبدالرحمانی

اشعار این مجموعه به جنبشی که امروزه در غرب گسترش یافته و «پسامدرنیسم» نامیده می شود، نزدیک است؛ از زبان روزمره بهره می گیرد، تعبیرهای «خلاف عادت» می آورد، در پدیده‌ها و ظواهرهای فردی را بیابان می کند و می گوید که تحمل معیار بر زبان دور شود و از همه مهمتر این که طرخ پرست می کند و این پرسش‌های پیشتر از دانشگای نسل جوانی که در این دوره هوای خیر بر آمده و با روی پدیده‌ها ناظرانه ای رویاروی شده بر می خورد. نسل جوانی که دیگر جامعیت متمرکز بر قبول ندارد، از راه‌های رفته دیگری نمی خواهد بگذرد و بر پرتوی امید به آینده تکیه نمی خواهد. شاید نومیه تابشند اما بسیار خسته است. کام در راه می گذارد چون نمی خواهد پدیده‌های شکست باشد اما می داند که باید باز گردد و کار «سزیف» کامو را از سر بگیرد، هر روزه سنگی را بر دوش گرفت و فراز پر شو و بر بدن، غلظیدن سنگ را از کف پاژر و از سر گرفتن کار تا دفاع عبث آمده در اسطوره کهن، در جهان امروز مثل شود.

تجربیه‌ای که مجموعه شعر «پارس در رنو» با زبان می دهد، حاکی از خستگی، تردید، تهیگی و در برخی موارد هیچ انگاری و یکسو نگری است. چنین فرآیندی بارها در سیر تاریخ انسانی پیش آمده و با پیش قدم‌ها آمده. نمونه‌ای از آن را در کار بعضی از شاعران خودمان در سالهای پس از مرداد ۱۳۳۳ دیدیم که شکست و نومیه‌ای را عهده می کردند. نمونه دیگران در آثار رومناتیک‌ها به ویژه رومناتیک‌های آلمانی متعکس شد. شرایط اجتماعی بسیار سخت بود، تضادهای موجود حول آنها را سخت در پیچیده خود می دیدند. جوان پر شور و مبتکر که در چنان جامعه‌ای می زیست، ناپسامان‌ها و آفتوهای ناامیدها می کرد و می دید که ریشه‌دار تر از آنست که بتواند بیرون و رویش کرده کارگر در دنیای درون خود غرق می شد یا به زوایای دیگران بنام می برد و در شکیفته می این زوایاها چنان سخن می رفت که همبراه از راز در تو نرالم می گفت: «بویایه‌ها با نماندگی دم ماست».

از دیدگاه این قسم باغش به فضایی عبوری ظاهر می شود و باورماتی مسیم با حادوی رومناتیک حتی آثارمخاطبه است اما این آثارمخاطبه به دلیل دشواری راه رسیدن نام هدف صورتی باز گونه به خود می گیرد، به خود می چسبد، نسبت به هر چیزی بدگمان است، به زندگی شاقی زلف دارد و حتی گاه گذشته و خاطرهای گذشته را نیز زنی می کند و گمان می برد تاریخ و جهان زندگی چرخش چرخش آن است که بی هدف می چرخد. در روز و امروز در فیه با یکسان چرخه کار نراند، دیگر نمی شود کاری کرد که نشود و کاری زندگی را به ما مایز کار کند.

به هر چیزی که دست می برم
تاریکی می نوم

و گفنی برای شرم نمی ماند (۳۳)

تا گمان آقدر مردم که دیوانه اندیم
ندانستم «پنه هر چه می بیند از پدیده» (۵۱)

این تعبیر است. اشاره به ناآرامی و ناآرامی‌های مردم و ناآرامی‌های شاعر است که در وصف حال شاعری هوشمند و گرفتار توهم است. شخصی که بر شاعرانه زیاد دارد اما باقی نمانده نمی شود و رویشی را می بیند اما نمی تواند. به سوی آن دور که صحنه تریک تاریک است. گزاره‌های بی‌سنگی متعقل، ناآرام و رویاها را طوری توصیف می کند که گویی در خواب با کلودیس سخن می شناسد. در اینجا بعضی چیز از آشوب دور حکایت دارد. سراینده به ویژه در سفر کردی است چون چند آن نشکوه و تارن در کج و درج می‌یون و حیرت خود و اگر از شرم می دهد. اما هر حال حیرت دور در دونه‌ای بی‌خبر غریبی سخن می گوید که گاه به نامفهوم گویی و بریده بریده گویی بنام می زند. این زبان صرفاً واقع‌تعبیر، تعبیر ناگهانی و کلاسیک است. حتی اشعار نیمه‌ای دور می‌شود و بلکه نوع طعنه‌گویی پدیده‌ای کند و جمله‌های می نویسد که روابط نحوی آنها در عین زبان غایب است. مستحکام آسبیده است و آنجا که آسبیده اند، باز وضعی دوبار و دوبار در دانشگای وارد.

تهدا هستی همیشه از پنجره‌های این بویینگ لمتی بیرون می رود

ایرانی این سرزمین را می گرد
و در شوبه می رود (۱۱)

صورتی که از این تعبیر ناآرامی‌های شاعر می آید بیشتر حالت قیضه‌گویی و وضعی نیمه‌خونی می‌چینی دارد. مضمون بیان شده جدی است. سراینده آن را به گونه‌ای می‌نویسد که تصویر استی بر آورد می‌شود. در بویینگ که ایراها را گرد آورده در تصویر می‌یوزده به سینه‌های کارناتوهای هنری می‌شایست نیست.

تعبیرهای خلاف آداب عادت (آشازا) که از بویگی‌های شعرهای پسامدرنیستی است در کتاب زیادت است و آوردن چند نمونه از آنها برای ادما سخن و نقد لازم است.

گر دانک چندین عمارت می چرخد بر پشته ساهلای (۱۰)
این در وی دوری‌ها به سینه جن هم نمی توان سنجید کرد (۱۳)

یاده رویایی که عیاران را در نفس تأسی می کرد (۳۳)
مردی که دیوار را به جنبش می گذارد و آتش می گرد (۵۵)
مردی که روز را در جنبشهای تو می داد (۳۱)

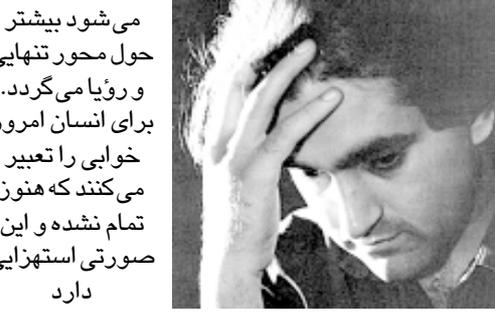
همیشه آنکه شعری می نویسد شعرهای دیگری را پاک می کند

عبدالمعلی دست‌غیب

علی عبدالرحمانی شاعری است که در دهه هفتاد با انتشار سه مجموعه شعر «تنها آدمهای آهنی در باران زنگ می‌زنند» (۱۳۷۳)، «پارس در رنو» (۱۳۷۶) و «این گربه عزیز» (۱۳۷۷) توانسته توجه بسیاری از منتقدین را به خود معطوف کند. از جمله کسانی که به نقد آثار او پرداخته‌اند می‌توان گفت: رضا عامری، غلامرضا مرادی، حسین رسولزاده، میرداد فلاح، علی میزابان، ابوالفضل پاشا و رزا از این شاعر به زودی دو مجموعه «عالمی از نام برد» و «این» انتشار خواهد یافت.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد.

برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کنند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد



دستی که ماه را چون لکهای سفید از لپاس خواب خدا کش
رفت (۱۷)

دامه می‌دلی آب بودم تمام آن دسته گل را من به آب
دادم (۱۹)

دختری که نتاها تر از ما زهست (۱۳)
همیشه آن که شعری می‌نویسد شعرهای دیگری را پاک می‌کند (۳۳)

زنی پستی روی تکان شاه‌ها می‌سبب می‌ریخت (۲۷)
آب آینه آورده است تصادای پوستم را تماشا کنم (۶۵)
در آرزوستن زنهایی کوچهای که در هایش غروب داشت بود (۶۶)

مثل دریا مومج روح روی خود اقدام (۱۹)
نخستین قضاوتی که خواننده آنتها به شعر کلاسیک و حتی آنتها به اشعار اخوان و شاملو در بره‌ای از کاره‌ها می‌تواند بکند این است که وصف حال شاعری هوشمند و گرفتار توهم است. شخصی که بر شاعرانه زیاد دارد اما باقی نمانده نمی شود و رویشی را می بیند اما نمی تواند. به سوی آن دور که صحنه تریک تاریک است. گزاره‌های بی‌سنگی متعقل، ناآرام و رویاها را طوری توصیف می کند که گویی در خواب با کلودیس سخن می شناسد. در اینجا بعضی چیز از آشوب دور حکایت دارد. سراینده به ویژه در سفر کردی است چون چند آن نشکوه و تارن در کج و درج می‌یون و حیرت خود و اگر از شرم می دهد. اما هر حال حیرت دور در دونه‌ای بی‌خبر غریبی سخن می گوید که گاه به نامفهوم گویی و بریده بریده گویی بنام می زند. این زبان صرفاً واقع‌تعبیر، تعبیر ناگهانی و کلاسیک است. حتی اشعار نیمه‌ای دور می‌شود و بلکه نوع طعنه‌گویی پدیده‌ای کند و جمله‌های می نویسد که روابط نحوی آنها در عین زبان غایب است. مستحکام آسبیده است و آنجا که آسبیده اند، باز وضعی دوبار و دوبار در دانشگای وارد.

رویی او آنست که معمارانی تو نجا مانده است. (۶۰)
لبته این سخن تهیای در اشعار شاعران دهه چهل به عنوان مثال فریاد فریاد فرخ‌زاد می‌آمده بود و حتی در برخی اشعار شاملو نیز سر و کله‌ای نشان می‌داد.

کوجها با همان تنهاتان
موجها با همان تنهاتان

اما این سخن به غایت نودولی در اشعار این شاعر گسترش بسیار یافته است. وقتی عبدالرحمانی می‌نویسد: «آدمی آنتها بزرگی است» (۳۳) و جویی از وجود زندگی را در نظر ندارد بلکه موضوعی عام را بیان می‌کند و این موضوع عام همبراه است یا مشکلهایی که جهان امروز را در بر گرفته است. مهمتر این مشکلی که از دیدگاه پسامدرنیسم در دانشگای ما رسوخ یافته و می‌باید، نیست و اگر می‌تواند باشد، مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.

تعبیری که از جهان مدرن عرضه می‌شود بیشتر حول محور تنهایی و رؤیای می‌گردد. برای انسان امروز خوابی را تعبیر می‌کند که هنوز تمام نشده و این صورتی استهزایی دارد. چرا که تعبیر رؤیایی که هنوز ادامه دارد، با زبان عادی با زبان شعر و نثر کلاسیک نمی‌تواند باشد. مضمون‌ساز می‌شود. سراینده بریده، پیدا کردن خود خویش در اثر هنری و کلاویز شدن با زبان و مفهومی‌های زی‌شایستگی است.



تا زود در برخی موارد بافت بیشتر با این فضا اشتراک می‌شود و در می‌یابیم مفهومی‌ها و روابط تازه‌ای به بروی صحنه آمده است و در پس پشت این روابط و مفهومی‌ها ادراک با تعبیر تازه‌ای موجود است که از درون وضعیت معاصر گرفته شده است.

این تعبیر، مفهومی‌ها و روابط آمده در اشعار مجموعه «پارس در رنو» را در منظوری نشان می‌دهد که گام‌سازنده به نام می‌زند و همین جاست که من بر کار سراینده عیب می‌گیرم. مراد من این نیست که سراینده مانند شاعران کلاسیک با نامو اخوان شعر بگوید بلکه مراد این است که در چهارچوب کار خود قواعد بیان یعنی «وصف تمام گفت» (تعبیر رودکی) و «وصف تمام گفت» من را یاد کند. شاید اگر آراعی‌ها نبود یعنی اگر از تهلی سخن می‌گوید باید بگوید که من خواننده تنهایی را احساس کنم یا اگر از خود بیگانگی شعر می‌سراید، خود بیگانگی را محسوس و ملموس سازد. عبدالرحمانی در مصاحبه با یک روزنامه می‌گوید:

هر چه می‌کند از تکنیکهای برتر سوزن، کاربرد زوایاگان در شعر، بدون توجه به نشانه بودن آن است.

طوری که بتواند این توجه به معنای کلمه و تمرکز در معماری آن، جای خاصی را در مصراع او به آن اختصاص دادایی آنکه از وای تواند به تنهایی معنایی پدیدار حضور آن در یک سطر فقط به واسطه شکل و موسیقی‌اش باشد به طوری که خواننده از شعر فقط لذت شنبیاری برود و با توجه به حسنی که در او آید به مفهومی نماند.

یکی دیگر از چارچوبها... از آذی زبان و چرخش آن است، به طوری که زبان توانایی دخالت ذهن، تصویری را به دست دهد. البته همه اینها در صورتی امکان پذیر است که شاعر به اندازه کافی در مصراع سازی و اجراء نحو تازه زبان مجرب باشد.

توضیح سراینده روشن نیست، من نمی‌فهم که زبان چگونه بی‌دخالت دانشگای تصویری به دست می‌دهد یا با نشانه‌ها بودن می‌تواند به تنهایی و به طور مجرد فقط به واسطه شکل و موسیقی‌اش شادای ایجاد کند؟ اجراء نحو تازه زبان چیست؟ پاسخ من این است که سراینده همان است که زبان نهاد مستقلی جدا از لایه‌های تحاطب و دانشگای آفرین نیست، هر کلمه‌ای حتی به طور مجرد و نه فقط در شعر می‌تواند در شونده احساس خوشایند یا ناخوشایند برانگیزد و اجراء نحو تازه زبان اگر به ایناهام و بیان گنگ بینجامد، با دست و رو نیست و نخستین زبانش عاقل خود شاعری می‌نویسد.

به‌رغم اشکالی که بر شعر سراینده پارس در رنو نوشته است حضور جتهای و بویای درها را با هم جمع می‌کند و جمع می‌پوشد خود تنها آدمهای آهنی در باران زنگ می‌زند. (۳۳)

شعر در حقیقت به اعتبار دانشی که درباره مفهومی‌ها مدرن دارد، اعلام خود بیگانه‌سازی و در بیشتر سطر جله و گره‌ها در آغاز غریب می‌نماید یا خوانند و تعمیم بیشتر آشنائی می‌شود و روشن می‌گردد که سراینده تجربه‌هایی دارد و دست خالی به میان نیامده است. برخی عبارت‌ها و سطرهای کتاب با کلمات و مفهومی‌ها ساده شکل گرفته و خواننده را در دونه‌های معنی آن می‌رساند نشان می‌دهد که احساسی نماند با کجری تازه در کارت مانند این مصراع:

تو که آتسوئی تنهائی این نامه ایستاده‌ای
نظرم فقط بر چشمهائی فرست
که بگردند (۳۶)

از عبارت اتمستی که ایراهای این سرزمین را می‌گیرد و در شوبه می‌یوزده پیداست که سراینده به طور نامستقیم به وضعی بومی‌اشارت دارد و از جایی حرف می‌زند که باران بارش حیاتی است اما مستحکام نشانه‌ها فرامی‌رسد و ایراهای هنر می‌شود. ایراهای نایز و زینهار و لپاها طراوت تازه نشود و آسبیده‌های شادای دارد به ایلمی که نه در دل و بلکه برده کلمات است و آسبیده‌ها به رقم ایراهای سباهی که دراد مشافه‌ای برای کریستن ندارد. (۳۳) و بار بیانی لفظی که در مجموعه آمده و گاه هوشتر است:

«دوستی دوستم پلار را می‌خواستی، افسوس
که من دستی ندانستم در آن بازی» (۳۳)

آخرین دلخوشی ما یاد بود که بر یاد رفت. (۳۵)
با آنجا که قطع نظر سراینده کل می‌کند آن نیز در هنگامه فاجعه زلزله، آنکه گاه آموزگار اجزاء حرکت و سخن به کسی نمی‌دهد تا آسمان‌روی کلاس چندم فرود می‌آید و در میان آواز و همه چیزهای فرو ریخته صلاکی انگشتی روی دست می‌کند که زیز آواز بیرون می‌آید. بومی خیزد که:

اجزاء آقا برای توام، ای پر خیزم؟!

آیا می‌توانید
مردم را از
مردم را از
مردم را از

سمینار: تحول در دیدگاه
سخنران: دکتر آرش
زمان: جمعه ۲۹/۲/۹۸ ساعت ۱۶-۱۸، ۱۴-۱۶
مکان: خیابان انقلاب - بعد از پل کالج روبروی
استاد نجات‌الهی - کوچه ایبورد - پلاک ۹
شماره جهت رزروجا: ۶۷۰۶۲۷۸

آیا می‌توانید
مردم را از
مردم را از
مردم را از

سمینار: تحول در دیدگاه
سخنران: دکتر آرش
زمان: پنجشنبه ۲۹/۲/۹۸ ساعت ۱۶-۱۸، ۱۴-۱۶
مکان: خیابان انقلاب - بعد از پل کالج - روبروی
استاد نجات‌الهی - کوچه ایبورد - پلاک ۹
شماره جهت رزروجا: ۶۷۰۶۲۷۸

ده ساله به دنیا آمدم

این هفته: فرانتس هوپل (Franz Hohler)
این شاعر، نویسنده سوئیس در سال ۱۹۴۳ در بیل (یکی از شهرهای سوئیس) به دنیا آمد و پس از کسب آموزشهای مقدماتی به تحصیل در ادبیات ژرمنی و یونانی پرداخت.
به همین رو در «اوتینکن» سوئیس به عنوان نویسنده و هنرمند به فعالیت مشغول است.
عندهای‌های او پس از نگارش شعر و داستان: نمایشنامه نویسی و طراحی صحنه‌ها اجرای موسیقی است.
مخاطبان آثار هوپل‌وری را به عنوان هنرمندی نقاد می‌شناسند که به راحتی با محیطش کنار نمی‌آید.
ده ساله به دنیا آمدم
بیست ساله مردم
سی ساله دانشم که باید پرده باشم
چهل ساله، دانشم که مردم
پنجاه ساله از واژه تشیع سخن گفتم
در شصت سالگی مردم سخنرانی‌اند
هفتاد ساله سخن گفتن از زندگی
هشتاد ساله سخن گفتن از عشق
نود ساله سخن می‌گویم از آینده
صد ساله می‌گذارم تا جوان شوم.

موفقیت

ده ساله به دنیا آمدم
بیست ساله مردم
سی ساله دانشم که باید پرده باشم
چهل ساله، دانشم که مردم
پنجاه ساله از واژه تشیع سخن گفتم
در شصت سالگی مردم سخنرانی‌اند
هفتاد ساله سخن گفتن از زندگی
هشتاد ساله سخن گفتن از عشق
نود ساله سخن می‌گویم از آینده
صد ساله می‌گذارم تا جوان شوم.

زنجیر

آنان به دنیا آمدند و مردند
با موهای خاکستری
آنان خسته بودند
و ترس گرسنه بود
و آنان همدگر را می‌پوسیدند
در حلقه خانه‌های خیابانی
چرا که شب بود
و کوکب تنها مانده بود
با موهای خاکستری
و ترس گرسنه بود
چرا که شب بود
آنان به دنیا آمدند و مردند
در حلقه خانه‌های خیابانی
آنان خسته بودند
و ترس گرسنه بود
و آنان همدگر را می‌پوسیدند
با موهای خاکستری

بزرگداشت روز سعدی در تاجیکستان

مراسم بزرگداشت روز سعدی، با حضور جمع کثیری از نویسندگان و شعرا در دانشگاه دولتی ملی تاجیکستان در دوشنبه برگزار شد.
در جریان این مراسم، دکتر کرمانروی رابین کرمانی ایران در تاجیکستان، آقای امام‌الف رئیس دانشکده ادبیات تاجیکستان و آقای علی‌قزاقزاده ویسته فرهنگ کشورمان در دوشنبه بیرون شخصیت ممتاز سعدی سخنرانی کردند.

کتاب ایران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تونس

هیچمدن نمایشگاه بین‌المللی کتاب تونس با حضور عبدالباقی هراسی، وزیر فرهنگ و هنر و وزرای علوم و تربیت و سفرا کشورهای خارجی در تونس افتتاح شد.
در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه که آقای دکتر محمود محمدی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در تونس حضور داشت، غرفه جمهوری اسلامی ایران از سوی مقامات تونس و سفرا کشورهای خارجی مورد بازدید قرار گرفت.
در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تونس بیش از ۱۵۰ عنوان کتاب از پنج تا شش ناشر ایرانی در زمینه‌های مذهبی، فرهنگی، هنری، آشناسی و ادبیات در معرض دید علاقمندان قرار گرفته است.
لازم به ذکر است که این اولین حضور جمهوری اسلامی ایران در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تونس ظرف دو دهه گذشته است. این نمایشگاه به مدت ده روز ادامه خواهد داشت.

دو سالانه معاصر پنجم

مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور کشف و حمایت از استعدادها و خلاقیت و نوآوری که در زمینه نقاشی فعالیت دارند پنجمین دو سالانه نقاشی معاصر ایران را برگزار خواهد کرد.
این دو سالانه در شهر یوه مازامان در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار خواهد شد. از طریق فراخوان از نقاشان دعوت به عمل خواهد آمد. آگهی فراخوان این نمایشگاه در نشریه‌های کثیرالانتشار در چند نوبت به چاپ خواهد رسید.
هنرمندان در ضمن می‌توانند از طریق تلفنهای ۰۲۱۳۲۲۰۰۰، ۰۶۵۲۱۱۱۱ (دبیرخانه دائمی نمایشگاهها) اطلاعات شرکت در این دو سالانه را دریافت کنند.

دوستانی که می‌بایند از طریق پست الکترونیک یا دبیر و نویسندگان گروه فرهنگ و هنر ارتباط داشته باشند می‌توانند از آدرس: honary@parsmail.com استفاده کنند.

آیا می‌توانید
مردم را از
مردم را از
مردم را از

سمینار: تحول در دیدگاه
سخنران: دکتر آرش
زمان: پنجشنبه ۲۹/۲/۹۸ ساعت ۱۶-۱۸، ۱۴-۱۶
مکان: خیابان انقلاب - بعد از پل کالج - روبروی
استاد نجات‌الهی - کوچه ایبورد - پلاک ۹
شماره جهت رزروجا: ۶۷۰۶۲۷۸